

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

بحث در این است کسی که پولی را برای حج دارد بعد از این که زاد و راحله را برای حج دارد تا چه زمانی مجاز است در این پول تصرف کند و خودش را از استطاعت خارج کند و از چه زمانی جایز نیست؟ گفته شد به نظر ما قاعده اولی این است که اگر یک عنوانی در موضوع یک حکم اخذ شد این هم در حدوث آن حکم و هم در بقاء آن حکم دخالت دارد؛ زیرا «الحکم یدور مدار الموضوع»، حال اگر در یک جایی دلیل خاص پیدا کردیم بر این که یک عنوانی حدوثش فقط شرطیت دارد مانعی ندارد و در آنجا طبق آن دلیل خاص عمل می‌کنیم ولی قاعده اولی همین است.

مطلب دومی که نتیجه همین مطلب است آن که استطاعت در موضوع حج اخذ شده و آن استطاعت مالی، بدنی و طریقی است، وقتی که این استطاعت محقق شد وجوب حج می‌آید و اگر این استطاعت محقق نشد وجوب حج نمی‌آید. حال اگر چنین استطاعتی محقق شد آیا بعد از تحقق این استطاعت شخص می‌تواند خودش را از این استطاعت خارج کند یا نه؟ عمده بحث را در تصرف در مال مطرح کردند؛ چون غالباً در عالم خارج این محقق می‌شود.

لیکن بر همین اساسی که ما در بحث جلو آمیم این اختصاص به تصرف در مال ندارد، الآن چند ماه به اشتهر حج مانده، کسی پول دارد، سالم هست و می‌داند راه در زمان خودش مشکلی ندارد تخلیه السرب هم هست، آیا الآن می‌تواند خودش را مریض کند به طوری که بعداً در ایام حج نتواند حج برود یا جایز نیست یا این که الآن می‌تواند در این مال تصرف کند به طوری که بعداً نتواند حج برود یا نه یا جایز نیست؟

بنابراین هر چند همه فقها مسئله تصرف در مال را مطرح کردند، اما عنوان دقیق و کلی بحث این است: «هل يجوز له اخراج نفسه من الاستطاعة أم لا؟» این عنوان صحیح بحث است گرچه قدما مسئله پول را مطرح کردند ولی اختصاص به آن ندارد. اگر کسی مستطیع شد آیا می‌تواند خودش را از استطاعت خارج کند یا حفظ استطاعت بر او واجب است؟

ارزیابی دیدگاه سید یزدی (قدس سره)

گفته شد مرحوم سید در همین جا می‌فرماید: «إن تمكن من المسير»؛ اگر تمکن از مسیر دارد نمی‌تواند تصرف در این مال کند، «إن لم يتمكن» می‌تواند تصرف کند. اینجا اساس حرف ما با سید (قدس سره) است که شما این تمکن از مسیر را در این مسئله از کجا آوردید؟ وقتی می‌گوییم نزاع این است که اگر کسی مستطیع است خودش را می‌تواند از استطاعت خارج کند یا نه؟ دیگر «إن تمكن من المسير و لم يتمكن» معنا ندارد.

به بیان دیگر، امام خمینی (قدس سره) فرمودند: تمکن از مسیر یکی صحة البدن است، یکی تخلية السرب و یکی هم تمکن تهیه مقدمات، در آنجا اشکال کردیم، به نظر من اشکال قوی‌تر به خود مرحوم سید وارد است. لذا باید بحث را برد روی همان دو قولی که در کلمات آمده نه روی سه قول؛ یعنی بگوئیم کسی که مستطیع است آیا با خروج اولین رفقه حق ندارد خودش را از استطاعت خارج کند ولو اولین رفقه دو سه ماه قبل از اشهر حج باشد یا این که نه، ملاک اشهر حج است (که نائینی (قدس سره) قائل است)؟

مرحوم نائینی در اینجا بسیار دقیق بر عروه حاشیه زده که ملاک این است که اشهر حج که آمد و اول ماه شوال شد این شخص خودش را نمی‌تواند از استطاعت خارج کند، اما اگر یک روز به اشهر حج مانده می‌تواند در مالش تصرف کند، می‌تواند حتی خودش را مریض کند به طوری که در اشهر حج قدرت بر حج رفتن نداشته باشد.

جمع‌بندی بحث

نتیجه آن که عنوان بحث عام است و اختصاص به تصرف در مال هم ندارد، عنوان بحث این است کسی که مستطیع است، «هل يجوز اخراج نفسه من الاستطاعة أم لا؟» تا الآن به این نتیجه رسیدیم که اصلاً مرحوم سید نباید این لفظ را در این مسئله می‌آورد! حق با بزرگان و مشهور است، در مشهور دو قول وجود دارد: یک قول گفته‌اند اگر کسی مستطیع شد قبل از خروج اولین کاروان می‌تواند خودش را از استطاعت خارج کند، یک قول این است که قبل از اشهر حج، که این مطلب واضح و روشنی است؛ یعنی مفروغ عنه این است کسی که مستطیع است آیا می‌تواند خودش را از استطاعت خارج کند یا نه؟ چه زمانی می‌تواند؟

یک بحث در اینجا به عنوان قاعده اولیه مطرح می‌شود که قاعده اولیه چیست؟ قاعده اولیه این است که همان طوری که تحصیل استطاعت لازم نیست (یعنی یک کسی زحمت بکشد استطاعت را پیدا کند)، قاعده می‌گوید حفظ الموضوع هم لازم نیست، نظیر آن که کسی در ماه رمضان در شهر خودش است (و به اصطلاح «حضر» دارد)، حضور موضوع برای وجوب روزه در ماه رمضان است؛ یعنی «من یكون حاضراً یجب علیه الصیام»، آیا حفظ این موضوع لازم است؟

الآن طبق قاعده می‌گوئیم، بله، ممکن است بگوئیم روایت داریم (و بعضی هم بر طبق این روایت فتوا دادند) که کسی حق ندارد در ماه رمضان مسافرت برود، ولی قاعده می‌گوید: نه، شما می‌توانید بیرون بروید، موضوع عوض شود و مسافر بشوید و بر مسافر هم روزه واجب نیست. اینجا هم می‌خواهیم بگوئیم قاعده می‌گوید: همان طوری که تحصیل استطاعت لازم نیست، حفظ استطاعت و ابقاء استطاعت نیز واجب نیست؛ یعنی قاعده می‌گوید: آقای مکلف! تو الآن مستطیع شدی می‌توانی خودت را از این موضوع خارج کنی.

دیدگاه مرحوم شاهرودی

مرحوم شاهرودی بعد از این که ایشان نیز قبول دارد قاعده دلالت بر چنین مطلبی دارد می‌گوید: ما هفت راه داریم برای این که از این قاعده اولیه عدول کنیم، از میان این هفت راه در شش راه مناقشه می‌کند و یک راه را می‌پذیرد. هنوز به بحث خروج رفقه و اشهر حج نرسیدیم، الآن بحث ما این است که می‌گوئیم قاعده می‌گوید حفظ الموضوع واجب نیست؛ یعنی «کما أنه لا یجب ایجاد الموضوع لا یجب حفظ الموضوع»، حال آیا از این قاعده در اینجا تخلف شده یا نه؟ هفت راه ذکر می‌کند.

راه اول: اجماع است؛ یعنی بگوئیم اجماع فقهاست بر این که اگر کسی مستطیع شد فی الجمله حق ندارد خودش را از استطاعت خارج کند. جواب: این اجماع مدرکی است و مدرکش ادله بعدی است که ذکر می‌کنیم. البته در اصول گفتیم به نظر ما اجماع مدرکی مشکلی ندارد، لذا اگر این چنین اجماعی هم اینجا وجود داشته باشد منتهی از این اجماع (چون دلیل لئی است) باید قدر متیقن‌گیری شود و قدر متیقن این اجماع این است که آخرین کاروانی که بخواهد حج برود اگر استطاعت تا آن زمان باقی مانده، این شخص حق ندارد خودش را از استطاعت خارج کند، اما تا آن زمان و قبل از آن می‌تواند، اما امروز که آخرین کاروان می‌رود حق ندارد.

راه دوم: ایشان می‌فرماید: قبلاً یک روایاتی بر تقدیم حج بر دین خواندیم که «الحج واجب و إن کان علیه دین»، بگوئیم این روایات می‌گوید اگر کسی پولش را صرف دین کرد و خودش را از استطاعت خارج کرد، باز حج برایش واجب است؛ یعنی وقتی می‌گوید: «الحج واجب و إن کان علیه دین» به دلالت التزامی دلالت دارد بر این که نمی‌تواند انسان خودش را از موضوع حج که استطاعت است خارج کند و باید پولش را صرف در حج کند.

بعد ایشان می‌فرماید: این روایت را قبلاً جواب داده و بحث کردیم که این روایات می‌گوید حج را مقدم کن، اما دیگر دلالت ندارد بر این که اگر شما صرف در دین کردی باز وجوب حج باقی است. ما قبلاً گفتیم این روایات را اخذ می‌کنیم اما اگر کسی معصیت کرده و پولش را در دین صرف کرد و خودش را از موضوع وجوب حج خارج کرده، حج بر او مستقر نمی‌شود.

نتیجه آن که این دو دلیل نمی‌تواند دلیل بر عدول از قاعده اولیه باشد.

راه سوم: اگر این راه را باز کرده و بگوئیم کسی که پنج شش ماه قبل از اشهر حج مستطیع شده به جمیع انواع استطاعت، اگر بگوئیم خودش را می‌تواند از استطاعت خارج کند، لغویت تشریع حج لازم می‌آید؛ زیرا همه این کار را می‌کنند و خودشان را از استطاعت خارج می‌کنند. مرحوم شاهرودی در اشکال بر این راه می‌فرماید: اینطور نیست که هر کسی هم مستطیع شود همه داعی داشته باشند بر این که خودشان را از استطاعت خارج کنند، اگر همه این کار را می‌کردند موردی برای انجام وجوب حج باقی نمی‌ماند. عمده این راه چهارم و پنجم و ششم است که چهارم و پنجم از همه مهم‌تر است.^[1]

راه چهارم: در راه چهارم از راه مقدمات مفوته وارد می‌شویم به این بیان که: با آمدن استطاعت وجوب می‌آید گرچه ظرف واجب در اشهر حج است، اما الآن اگر این استطاعت را از بین ببرد حج از او فوت می‌شود، الآن اگر با پولش بخواهد کار دیگری کند در ایام حج نمی‌تواند پولش را به کاروان بدهد و با کاروان برود و حج از او فوت می‌شود، عقل می‌گوید: اگر حفظ یک مقدمه‌ای که اگر حفظ نشود ذی المقدمه فوت می‌شود اینجا حق ندارید شما آن مقدمه را فوت کنید و باید آن مقدمه را حفظ کنید. شاید در اینجا برخی از فقها از راه وجوب حفظ مقدمات مفوته می‌گویند: وقتی استطاعت مالی، بدنی و طریقی آمد، وجوب حج می‌آید. وقتی وجوب آمد عقل می‌گوید: برای امتثال مقدمات را باید حفظ کنی. پس عقل می‌گوید جایز نیست خودتان را از این مقدمات دور کنید و حفظ این مقدمات واجب است.

مرحوم شاهرودی دقت خوبی کرده و می‌فرماید: شما یک خلطی کردید، مسئله وجوب مقدمات مفوته بعد از آن است که موضوع، حدوثاً و بقاءً موجود باشد، اگر موضوع (یعنی استطاعت) باشد، مثلاً از حالا (یعنی پنج شش ماه به اشهر حج مانده) ثبت نام می‌کنند، اگر الآن ثبت نام نکنم در اشهر حج موفق به حج نمی‌شوم، اینجا مقدمات مفوته می‌گوید: ثبت نام بر تو واجب است، این سؤال را گاهی اوقات خیلی از طلبه‌ها می‌کنند که به چه دلیل ثبت نام واجب است؟ اگر کسی مستطیع است بعد الاستطاعه، می‌گویند اگر امروز ثبت نام نکنید در اشهر حج نمی‌توانیم شما را حج ببریم، این شخص باید ثبت نام کند از باب این که اگر این کار را نکند حج او فوت می‌شود.

مرحوم شاهرودی می‌فرماید: «و اما حفظ نفس الموضوع فلا يمكن إثباته بالمقدمات المفوتة، نظير أن يستدل على وجوب حفظ عنوان الحضر بوجوب المقدمات المفوتة»؛ شما خلط کردید ما اینجا دنبال این هستیم که آیا حفظ این موضوع لازم است یا نه؟ حفظ الاستطاعة لازم است یا نه؟ حفظ الموضوع را با مقدمات مفوته نمی‌شود درست کرد، بنابراین بین مسئله حفظ الموضوع و مسئله مقدمات مفوته خلط کردید.

به نظر ما این مطلب درستی است و لذا ایشان این راه چهارم را نپذیرفته و می‌فرماید: کسی نگوید اگر پنج شش ماه به شهر حج مانده پول دارد، صحة البدن هم دارد، تخلية السرب هم دارد اما باید اینها را نگه دارد، پولش را خرج نکند، مراقب باشد مریض نشود، برای این که بعداً بتواند حج انجام بدهد! خیر، حفظ الموضوع را از راه مقدمات مفوته نمی‌شود اثبات کرد، مثلاً موضوع روزه در ماه رمضان «حضر» است، من اگر در شهر خودم در قم باشم روزه بر من واجب است آیا می‌توانم از باب مقدمات مفوته بگویم: پس من امشب به سفر نروم برای این که فردا برای روزه حضور داشته باشم؟! مقدمات مفوته ربطی به حفظ موضوع ندارد.

به بیان دیگر، مقدمات مفوته در جایی می‌آید که وجوب حکم باشد، موضوع هم مسلم موجود باشد بعد فرض وجود الموضوع، نسبت به مقدمات دیگر عنوان مقدمات مفوته دارد مثل ثبت نام، اما نفس استطاعت ربطی به مقدمات مفوته ندارد.

خلاصه آن که، مرحوم شاهرودی می‌فرماید: مقدمات مفوته می‌تواند این قاعده را از بین ببرد و بگوید بر اساس این که عقل می‌گوید حفظ مقدمات مفوته لازم است، پس حفظ الموضوع لازم است، ایشان می‌فرماید: مقدمات مفوته ربطی به حفظ الموضوع ندارد و قاعده اولیه این است که «كما لا يجب ايجاد الموضوع لا يجب حفظ الموضوع»، این یک قاعده روشنی است.^[2]

راه پنجم: راه پنجمی که مرحوم شاهرودی مطرح می‌کنند از راه واجب معلق است، ایشان می‌فرماید: بحث واجب معلق با مسئله مقدمات مفوته بین‌شان فرق وجود دارد. می‌فرماید: ما در اصول واجب معلق را پذیرفتیم، «فبمجرد تمامية الاستطاعة و تحققها جامعة للشرايط يحكم بوجوب الحج عليه»؛ وقتی همه شرایط آمد وجوب می‌آید، «ولو كان في اول السنة» یعنی اول محرم و هنوز تا شهر حج خیلی مانده، «لأن الوقت ليس دخیلاً في موضوع وجوب الحج»؛ شهر حج در وجوب حج دخالت ندارد، «فيحكم بوجوب حفظ ماله بتحقيق موضوعه»؛ یعنی نیائیم از راه مقدمات مفوته وارد شویم، بلکه بگوئیم در اینجا واجب معلق را قبول داریم و واجب معلق یعنی وجوب فعلی است و واجب استقبالی، وقتی وجوب آمد اینجا باید مالش را حفظ کند؛ زیرا حفظ مال مقدمه است برای آن عملی که بعداً در شهر حج می‌خواهد انجام بدهد در صورتی که عنوان مقدمیت داشته باشد.

بنابراین در این بیان پنجم ایشان می‌گوید: به صرف این که استطاعت با همه خصوصیاتش آمد خود قانون واجب معلق می‌گوید باید موضوع را حفظ کنیم. واجب معلق یعنی شارع می‌گوید: من وجوب را الآن بر تو آوردم، فقط ظرف امتثال فلان زمان است و قانون واجب معلق کاری به مقدمات مفوته ندارد؛ چرا که قانون واجب معلق می‌گوید: حفظ الموضوع لازم و از آثار واجب معلق است؛ یعنی از آثار واجب معلق این است که وقتی وجوب می‌آید «تعجز النفس عن الامتثال» عقلاً قبیح است.

در اینجا محقق خویی (قدس سره) و بیشتر فقیهان بر همین مطلب متمرکز شدند، شما عبارات مرحوم خویی را در شرح عروه‌شان ببینید می‌فرمایند: در اینجا وجوب فعلی است و واجب استقبالی است، عقل در چنین موردی که وجوب فعلی است و واجب استقبالی، تعجیز را قبیح می‌داند، روی قانون واجب معلق نه روی مسئله مقدمات مفوته. مرحوم شاهرودی این راه را نیز ردّ می‌کند.

ایشان یک کلامی از نائینی (قدس سره) در دو مسئله نقل می‌کند. مرحوم نائینی می‌گوید: اگر کسی وقت ظهر وارد شد و وضو دارد، آیا می‌تواند یکی از نواقض وضو را انجام بدهد با علم به این که دیگر آب ندارد وضو بگیرد؟! مرحوم نائینی می‌گوید: بله، شخص می‌تواند بگوید: من یک چرتی بزنم بعد نماز بخوانم، مانعی ندارد اما می‌فرماید اگر یک آبی دارد و هنوز وضو نگرفته، غیر

از این هم آبی ندارد حق ندارد این آب را از بین ببرد، فرق بین این دو چیست؟ بحثی است که مرحوم شاهرودی کردند و در جلسه آینده مطرح می‌کنیم.^[3]

و صَلَّى الله على محمد و آله الطاهرين.

- [1] «هذا كله في صورة عدم ورود دليل خاص على عدم انتفاء الوجوب بإتلاف الموضوع بقاء و الا فلا بد من الأخذ به و ما يمكن الاستدلال به على ذلك وجوه: (الأول) - الإجماع. و فيه: أنه و ان كان ثابتا في الجملة لكن قلنا مرارا أن الإجماع المعتبر هو التعبدى لا المدركى و في المقام من المحتمل أو من المقطوع أن يكون مدركه بعض ما سنذكره من الوجوه فلا اعتماد عليه، (الثاني) - الاخبار التي مرت في الدليل الثاني من أدلة تقديم الحج على الدين بناء على تمامية دلالتها فإنه لو كان ينتفي الوجوب بإتلاف المال عمدا لم يكن وجه لتقديم الحج على الدين لإمكانه أن يؤدي دينه بماله و يكون ذلك إذهابا للموضوع فيكشف به عدم وجوب الحج عليه فبذلك الأخبار تكشف عدم انتفاء وجوب الحج بإتلاف ماله و قد مر الإشكال في دلالة تلك الأخبار سابقا. (الثالث) - هو أنه لو جاز للمستطيع إتلاف المال لكان تشريع وجوب الحج لغوا لجواز إخراج كل مستطيع نفسه عن دائرة الاستطاعة الموجب لغوية تشريع الوجوب حينئذ و فيه: أن هذا نظير أن يقال: أنه يحرم السفر في وقت أداء الصلوات الرباعية لأنه لو لم نقل بذلك لزم لغوية جعل التمام أو يقال: أنه يحرم كون الشخص في وقت أداء الصلاة الرباعية في الحضر لأنه لو لم نقل بذلك لزم لغوية جعل حكم القصر. و الجواب الحلي: هو أنه لا يحصل لكل أحد من المستطيعين الداعي الى إتلاف ماله فرارا عن وجوب الحج حتى يقال: إنه يلزم من الحكم بجواز الإتلاف لغوية تشريع الحج.» كتاب الحج (لشاهرودي)؛ ج 1، ص 130-131.
- [2] «(الرابع) - الالتزام بوجوب المقدمات المفوتة بأحد التقريبين اللذين مر ذكرهما سابقا فيقال: إنه إذا توقف حجه على صرف المال وجب عليه حفظه ليصرفه في مصارفه لكون حفظه له من المقدمات المفوتة التي لولاها لما كان قادرا على الواجب في وقته و فيه: أنه قد تقدم في المباحث السابقة أن الاستطاعة موضوع لوجوب الحج حدوثا و بقاء و ليس صرف وجودها موضوعا له و القول بوجوب المقدمات المفوتة إنما يتأتى بعد فرض ثبوت الموضوع حدوثا و بقاء كان نفرض تحقق الاستطاعة حدوثا بالوجدان و بقاء بالأصل ثم نستدل على وجوب تهية المقدمات بأحد التقريبين الدالين على وجوبها. و أما حفظ نفس الموضوع فلا يمكن إثبات وجوبه بالمقدمات المفوتة و هذا نظير أن يستدل على وجوب حفظ عنوان الحضر بوجوب المقدمات المفوتة، و لعمري أن بين مسألة حفظ الموضوع و بين مسألة وجوب المقدمات المفوتة بونا بعيدا.» كتاب الحج (لشاهرودي)؛ ج 1، ص 131.
- [3] «(الخامس) - قد مر سابقا أن الحق هو صحة الواجب المعلق فبمجرد تمامية الاستطاعة و تحققها جامعة للشرائط يحكم بوجوب الحج عليه و لو كان في أول السنة، لأن الوقت بناء على هذا المبنى ليس دخيلا في موضوع وجوب الحج كما مر بيانه مفصلا، فيحكم بوجوب حفظ ماله لتحقيق موضوعه مقدمة للعمل إذا توقف الحج عليه. و أما إذا لم يتوقف حجه على صرف المال بان تمكن من الحج متسكعا، أو بالخدمة، فجاز له الإتلاف و لكن عليه الحج متسكعا. و فيه: أنه انما يتم لو فرضنا عدم موضوعية الزاد و الراحلة لوجوب الحج و كونهما من قبيل متعلق المتعلق. و اما إذا سلمنا موضوعيتهما فلا يتم ذلك. و هذا نظير ما ذكره المحقق النائيني - رضوان الله تعالى عليه - من أنه إذا دخل وقت الصلاة و كان متطهرا جاز له نقض الطهارة و لو مع فرض فقدان الماء و أما إذا لم يكن متطهرا لكن كان عنده مقدار من الماء و انحصر الماء بذلك، أو لم يكن واجدا للماء و كان عنده مقدرا من التراب و لكن لم يكن له تراب غيره، فلا يجوز له إتلاف ذلك الماء أو ذلك التراب. و الفرق بين المسألتين: هو إن عنوان المتطهر موضوع للحكم فلا يحرم إذهابه. و اما الماء و التراب فليسا موضوعين له حتى يقال بجواز إتلافهما بل هو متعلق لمتعلق الوجوب هذا. و تحقيق ما ذكره المحقق النائيني صحة و سقما موكل الى محله. و المقصود هنا أن الموضوع لا يحرم إذهابه و لا يجب إبقائه و لو في وقت الوجوب و الواجب المعلق ليس بأولى من الواجب التنجيزي و لم يتوهم أحد كون مقتضى القاعدة حرمة السفر في وقت وجوب الصوم أو الصلاة مع ان وجوبهما تنجيزي. و بالجملة قد تقدم أن الكبرى لا يدل على لزوم حفظ الصغرى و لا فرق في ذلك بين تسليم الواجب المعلق و إنكاره.» كتاب الحج (لشاهرودي)؛ ج 1، ص: 131-132.

